حادثه‌ها

دستگیری یک ایرانی در فرودگاه «کوآلالامپور»

● **ایرنا:** پلیس مالزی از دستگیری یک ایرانی با ۹کیلو۸۵۰گرم مواد روان‌گردان شیشه در فرودگاه بین‌المللی کوآلالامپور خبر داد. این مرد ۲۷ساله ایرانی در حالی‌که طبق قوانین مالزی، داشتن و حمل بیشتر از ۵۰ گرم موادمخدر می‌تواند شامل مجازات اعدام شود، حدود ۱۰ کیلوگرم روان‌گردان شیشه را در سه قوطی پودر بدنسازی جاسازی کرده و به‌دنبال انتقال به مالزی بود. روزنامه «استار» مالزی به‌نقل از پلیس این کشور اعلام کرد این فرد که با پرواز خطوط هوایی قطر وارد مالزی شده بود ۱۱مرداد در فرودگاه بین‌المللی شهر کوآلالامپور بازداشت شد. چیک عمر چیک لیم رییس گمرک فرودگاه بین‌المللی شهر کوآلالامپور نیز گفت موادمخدر در بازرسی از وسایل این فرد کشف شد. مدارک این قاچاقچی نشان می‌دهد وی تاکنون پنج‌بار به مالزی سفر کرده است. پلیس مالزی در حال بررسی این موضوع است که آیا وی در سفرهای پیشین خود نیز موادمخدر صنعتی به مالزی وارد کرده است. رییس گمرک مالزی گفت از ابتدای ماه گذشته تاکنون علاوه بر این فرد، دو خارجی دیگر نیز در ارتباط با قاچاق موادمخدر به مالزی دستگیر شده‌اند. افراد دستگیرشده قصد داشتند ۱۵کیلوو۵۶۰گرم موادمخدر به ارزش سه‌میلیون رینگیت (یک‌میلیون‌دلار) به مالزی وارد کنند. بازجویی از این افراد طبق ماده «۳۹ب» قانون موادمخدر خطرناک مصوب سال ۱۹۵۲ مالزی در حال انجام است. طبق این ماده قانونی حکم افرادی که موادمخدر به مالزی وارد کنند، اعدام است.

اعدام قاتلان در ملأعام

● **باشگاه خبرنگاران:** حکم دونفر که به جرم قتل عمد به اعدام در ملأعام محکوم شده بودند، در میدان آزادی شهر کرمانشاه اجرا شد. احکام این دو نفر پس از رسیدگی فوق‌العاده در دادسرا و دادگاه کیفری، تایید دیوانعالی کشور و پس از دریافت اذن ریاست قوه‌قضاییه روز پنجشنبه اجرا شد. بر اساس این گزارش، حدود دوسال پیش یکی از این دونفر پس از کشتن مقتول با اسلحه، قسمتی از بدن وی را جدا و در مکانی خارج از منزل مقتول آن را رها کرده بود. قاتل دیگر نیز که سابقه رفاقت با مقتول را داشت پس از مراجعه به منزل مقتول و به‌قتل‌رساندن او، جسد وی را تکه‌تکه کرد و با قراردادن آن در چمدانی، جسد را به داخل رودخانه انداخت.

نجات دختر ۱۰ساله از چنگ آدم‌ربا

● **ایسنا:** دختر ۱۰ساله‌ای که ربوده شده بود با هوشیاری شهروند تبریزی و تلاش پلیس نجات یافت. فرمانده انتظامی تبریز گفت: این دختر ۱۰ساله به‌دلیل غفلت والدینش در باغ فجر تبریز ربوده شد. سرهنگ فرهنگ نوروزی در این‌باره اظهار کرد: شخصی به‌همراه دختربچه‌ای حدودا ۱۰ساله سراسیمه به ایستگاه پلیس مراجعه و اظهار کرد داخل پارک درحال صحبت با تلفن بود که لحظه‌ای جیغ دختربچه‌ای را شنید و دید شخصی دست خود را روی دهان وی گذاشته و سعی دارد فرار کند. وی ادامه داد: این شهروند که به موضوع مشکوک شده بود از مرد ناشناس سوالاتی کرد و آن فرد بلافاصله دست و دهان دختربچه را رها و فرار کرد. نوروزی ادامه داد: پس از مراجعه این شهروند به مقر پلیس به‌همراه دختربچه و اعلام گزارش، با تلاش پلیس، متهمی که درحال‌فرار بود، دستگیر شد. فرمانده انتظامی تبریز افزود: مظنون در بازجویی ادعا کرد دختربچه، خواهر اوست اما در تحقیقات تکمیلی مشخص شد، متهم هیچ‌گونه نسبتی با کودک ندارد و قصد آدم‌ربایی داشت. نوروزی افزود: حین تنظیم گزارش، والدین دختربچه اهل مهاباد، سراسیمه به ایستگاه پلیس مراجعه و اظهار کردند ساعتی پیش داخل پارک فجر دختربچه آنها به نام مدیا گم شد به این‌ترتیب کودک به والدینش تحویل داده شد.

سارق ۸ میلیارد تومانی در گفت‌وگو با «شرق»:

نمی‌دانستم اموال مسروقه چقدر ارزش دارد

شرق: سرقت مسلحانه هشت‌میلیارد تومان لوازم خانگی از انباری در شهرری یکی از بزرگ‌ترین سرقت‌هایی است که امسال انجام شده است. متهم این پرونده جوانی ۲۴ساله به نام داود است که توسط کارآگاهان پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران دستگیر شد و همچنان در بازداشت به سر می‌برد. داود در گفت‌وگو با خبرنگار ما ماجرای سرقت را شرح داده است:

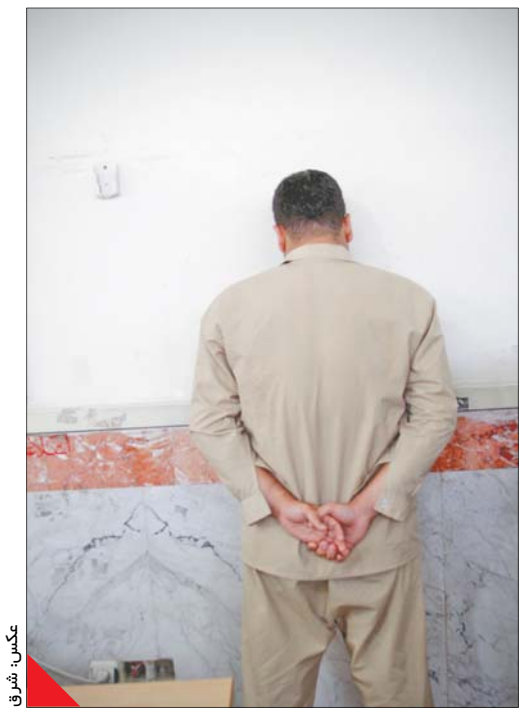

عکس: شرق

چقدر درس خوانده‌ای؟

تا اول دبیرستان خواندم.

بعد از ترک تحصیل چه کردی؟

بیکار بودم و هر کاری از دستم برمی‌آمد می‌کردم. کارگر بودم.

سابقه کیفری داری؟

نه. سابقه خلاف ندارم. فقط چند سابقه درگیری دارم.

چرا سرقت مسلحانه انجام دادی؟

مشکلات مالی داشتم.

هرکسی که مشکل مالی دارد باید سرقت مسلحانه انجام بدهد؟

نه اشتباه کردم.

چرا مشکل مالی داشتی؟

در یکی از درگیری‌ها یکی را زده بودم و باید ۲۵میلیون تومان دیه می‌دادم. برای اینکه زندانی نشوم و آبرویم نرود پول نزول کرده بودم و برای پرداخت آن چاره‌ای نداشتم.

مشکل تو ۲۵میلیون تومان بود اما ۸میلیارد تومان سرقت کردی.

نمی‌دانستم وسایلی را که دزدیده‌ام چقدر می‌ارزد فکر کردم نهایت ۳۰۰ تا ۴۰۰ تومان ارزش داشته باشد.

نقشه سرقت را چطور طراحی کردی؟

به تنهایی. هیچ همدستی نداشتم. فقط نشستم فکر کردم و نقشه کشیدم.

از کجا فهمیدی آن انبار محل خوبی برای سرقت است؟

یکی از اقوام دورمان نگهبان آنجا بود و من هر چند وقت یک‌بار به او سر می‌زدم، او هم از انبار و صاحبکارش برایم می‌گفت که چه آدم پولداری است. کم‌کم من هم از او حرف کشیدم و فهمیدم می‌توانم برای دزدی به آنجا فکر کنم. بعد نقشه کشیدم و چند خاور کرایه و کارگر استخدام کردم تا وسایل را بدزدم و به دو انبار دیگر ببرم.

چه شد که دستگیر شدی؟

راننده یکی از ماشین‌هایی که کرایه کرده بودم کارت شرکت باربری از جیبش در محوطه انبار افتاده بود. از همان طریق توانسته بودند راننده را پیدا کنند و او هم انبار من را نشان داده بود.

اعتیادی داری؟

نه مصرف ندارم.

می‌خواستی با پولی که از سرقت به دست می‌آوردی چه کار کنی؟

من که نمی‌دانستم آن وسایل این همه می‌ارزد. وقتی دستگیر شدم تازه فهمیدم هشت‌میلیارد پول آن کاسه بشقاب‌هاست. یکی را به‌عنوان نگهبان انباری که اموال دزدی را به آنجا برده، استخدام کرده بودم یک ظرف چینی به او داده بودم. وقتی دستگیرش کرده بودند داشت در آن ظرف خربزه می‌خورد. خودش تعریف می‌کرد وقتی ماموران دستگیرش کردند به او گفتند تا حالا در ظرف ۴۰۰هزار تومانی غذا نخورده بودی که خوردی. من اصلا نمی‌دانستم آن یک تکه بشقاب ۴۰۰هزار تومان ارزش دارد.

مگر می‌شود سارقی نداند چه چیزی را می‌دزدد؟

با خودم فکر کردم هر ماشینی که بار می‌زنیم نهایت ۴۰ تا۵۰میلیون می‌شود و سرجمع ۳۰۰ تا ۴۰۰میلیون تومان زده‌ام. حتی می‌خواستم بعضی از ظرف‌ها را که کارتن‌شان خراب شده بود دور بریزم. خدا را شکر این کار را نکردم.

چند همدست داشتی؟

فقط یک‌نفر که آن‌هم هرویینی بود و در ازای دریافت ۵۰۰هزارتومان حاضر شد برایم کار کند. بقیه افرادی که در اجرای این کار همراهم بودند روحشان هم از ماجرا خبر نداشت.

چرا فقط یک‌نفر؟

به هرکس که گفتم چه نقشه‌ای دارم نیامد. برای همین تصمیم گرفتم خودم تنهایی این کار را انجام دهم.

باورش کمی سخت است که هیچ همدستی نداشته باشی.

باور کنید هیچ‌کدام از افراد از ماجرا خبر نداشتند. از کارگرهایی که ظرف‌ها را بار زدند تا راننده و صاحب گاراژی که اموال را بعد از دزدی به آنجا برده بودم هیچ‌کدامشان از ماجرا خبر نداشتند. هرکدامشان دستمزدشان را گرفته بودند و کارشان را کردند.

بعد از اینکه آزاد شدی چه می‌خواهی بکنی؟

بستگی دارد زود آزاد شوم یا دیر.

اگر زود آزاد شوی چه می‌کنی و اگر دیر آزاد شوی چه؟

اگر زود آزاد شوم باید به فکر جبران باشم. باید دنبال کار بگردم اما فکر اینکه دیر آزاد شوم را نکرده‌ام. حتی فکرش هم آزارم می‌دهد.

چند خواهر و برادر داری، آنها چه می‌کنند؟

شش خواهر و برادر دارم. آنها همه در کار و روزی حلال هستند.

ازدواج کرده‌ای؟

نه.

زیاد شرارت می‌کردی؟

نه اصلا، یکی، دو مورد درگیری هم که داشتم به‌خاطر گرفتن حق مردم بود. اصلا طاقت این را ندارم که ببینم به یکی زور می‌گویند.

دزدی، تضییع حق دیگران نیست؟

چرا اما این آدمی که من اینها را از او دزدیده‌ام فوق‌میلیاردر است. حواسم بود کسی را بدبخت نکنم. چیزی که دزدیدم برای صاحبش مثل هزارتومانی بود.

به‌هرحال مال دیگری بود. آیا درست است با این تصور هرکسی مال مردم را بدزدد؟

اشتباه کردم. زیر فشار بودم. هرکسی جای من بود فکر این چیزها را نمی‌کرد.

دعوایی که به‌خاطرش به دیه محکوم شدی هم در دفاع از شخصی دیگر بود و آیا آن شخص در پرداخت دیه به تو کمک کرد؟

او ضعیف بود و کتکش زده بودند من هم برای دفاع از حق او دعوا کردم اما او وضع مالی خوبی نداشت و نمی‌توانست در پرداخت دیه به من کمک کند.

آیا اگر باز هم مورد مشابهی پیش بیاید همین کار را می‌کنی؟

صددرصد. من نمی‌توانم ببینم حق دیگران را می‌خورند تا حالا به‌خاطر خودم درگیر نشده‌ام همیشه به‌خاطر این و آن بوده، حق کسی را هم ناحق نکرده‌ام حتی یک سر سوزن اما از بابت سرقت پشیمانم، زیر فشار بودم و مغزم کار نمی‌کرد. دیگر این کار را نمی‌کنم. بیرون که آمدم از کارگری پول درمی‌آورم.

قبل از سرقت به زندان فکر کرده بودی؟

آدم اگر در جوانی زندان برود سخت است و نمی‌تواند آبروریزی را تحمل کند اما اگر در پیری حبس بکشد برایش مهم نیست. من در این سن باید خودم را از منجلاب بیرون بکشم. امیدوارم شاکی هم لطف کند و من را ببخشد.

اگر در این سرقت کسی کشته می‌شد چه‌کار می‌کردی؟

من دست‌وپای نگهبان انبار اصلی را بسته بودم اما حواسم به او بود، هر ۲۰دقیقه به او سر می‌زدم و حتی آب هم به او می‌دادم.

تو که می‌گویی پول نداشتی. پول برای پرداخت دستمزد کارگران و کرایه ۱۰ خاور را از کجا آوردی؟

در محوطه انبار مقدار زیادی هم ضایعات بود. خاور اول آنها را بار زد و برد، آدمی که اجیر کرده بودم ضایعات را فروخت و آنها را سه‌میلیون‌و۵۰۰هزارتومان فروخت. با آن دستمزدها را دادم.

اسلحه را از کجا آوردی؟

اسلحه قلابی بود. از اسباب‌بازی‌فروشی ۱۵۰هزارتومان خریده بودم و همان‌روز سرقت در راه برگشت آن را از پنجره بیرون انداختم تا اگر ماموران در راه شک کردند دردسر نشود. به خدا مغزم هنگ کرده بود و از روی تنگدستی این کار را کردم.

امید تازه ۳ زن متهم به قتل

دیوانعالی کشور احکام اعدام ۳ محکوم زیر ۱۸ سال را نقض کرد

شرق: دیوانعالی کشور با نقض حکم قصاص سه زن که در نوجوانی مرتکب قتل شده بودند، پرونده آنها را برای رسیدگی مجدد بر اساس قانون جدید مجازات اسلامی به دادگاه ارسال کرد.

بر اساس ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی در صورتی که فردی در سن زیر ۱۸ سال مرتکب قتل شود و چنانچه حرمت و ماهیت قتل را نداند و به رشد عقلی نرسیده باشد از مجازات قصاص معاف خواهد شد.

به گزارش خبرنگار ما، در اولین پرونده‌ای که مطابق قانون جدید مجازات اسلامی نقض شده است زنی به نام مائده برای بار دوم پای میز محاکمه می‌رود. مائده زمانی بازداشت شد که شوهرش در بیمارستان جانش را از دست داد و متخصصان اعلام کردند مرگ او به دلیل مصرف قرص برنج است.

ماموران پلیس زمستان سال ۸۷ در جریان مرگ مشکوک مردی جوان در بیمارستان قرار گرفتند و زمانی که برای بررسی آنچه اتفاق افتاده بود به محل رفتند، متوجه شدند مطابق گزارش پزشکان علت مرگ این مرد جوان مسمومیت شدید است. با انتقال جسد به پزشکی قانونی تحقیقات از همسر نوجوان این مرد آغاز شد. مائده گفت: «سر کار بودم که شوهرم با من تماس گرفت و گفت حالش خوب نیست. یکی از اقوامش او را به بیمارستان برده بود. من هم به بیمارستان رفتم و در آنجا با شوهرم صحبت کردم اما بعد از چند دقیقه شوهرم فوت شد.» تحقیقات بیشتر ماموران نشان داد مائده در ۱۲سالگی ازدواج کرد و از شمال کشور به تهران آمد. او مدتی بعد از این ازدواج با شوهرش اختلاف پیدا کرد و آنها درگیری‌های زیادی با هم داشتند. همچنین مشخص شد فیلمی از دختری شبیه به مائده به شوهر او نشان داده شده که باعث درگیری‌های شدیدی بین او و شوهرش شده است. این فیلم توسط یکی از اقوام شوهر مائده در اختیار او قرار گرفته بود. هرچند مائده مدعی بود شخصی که در آن فیلم است او نیست اما شوهرش گفته‌های وی را باور نکرده و در نهایت کار به شکایت از فردی که فیلم را آورده بود، کشیده و وقتی مشخص شد شخصی که در فیلم بود، مائده نیست مرد جوان به حبس محکوم شد. این تنها یافته‌های ماموران نبود. آنها متوجه شدند مائده با مردی جوان که در محل کار با او آشنا شده بود ارتباط داشت. به این ترتیب ماموران انگشت اتهام را به سمت مائده گرفتند. در نهایت این زن یک‌بار در اداره آگاهی به قتل شوهرش اعتراف کرد اما بعد اعترافاتش را پس گرفت و گفت در قتل شوهرش نقشی نداشت و فقط به خاطر معده‌درد همسرش به او داروی گیاهی داد. در نهایت شعبه ۷۴ دادگاه کیفری‌استان تهران رای بر قصاص متهم صادر کرد و این حکم در دیوانعالی کشور نیز تایید شد و پرونده مائده در فهرست اعدامیان قرار گرفت اما بعد از پنج سال درخواست اعاده دادرسی وی از سوی دیوانعالی کشور پذیرفته شد.

در همین حال پرونده دختری به نام مهسا که به قتل پدرش با همدستی مادر خود متهم شده بود در دیوانعالی کشور مورد بررسی قرار گرفت و درخواست اعاده دادرسی وی پذیرفته شد. مهسا که در ۱۷سالگی متهم به قتل پدرش شد وقتی پای میز محاکمه رفت، ادعا کرد به دلیل اینکه پدرش با ازدواج او مخالفت کرد و مادرش نیز با پدرش اختلاف داشت او را با هم کشتند و جسدش را مقابل در خانه رها کردند. مهسا و مادرش نیز با شکایت اولیای‌دم در شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران به قصاص محکوم شدند. هرچند رای در دیوانعالی کشور مورد تایید قرار گرفته بود درخواست اعاده دادرسی وی نیز پذیرفته شد. سومین متهم زن ۱۷ساله اهوازی به نام راضیه است که چند سال قبل شوهرش را به قتل رساند و جسدش را در باغچه خانه دفن کرد. دادگاه، راضیه را نیز به قصاص محکوم کرد و حتی این زن پای چوبه‌دار رفت و طناب هم به گردن او انداخته شد اما در لحظه آخر وقتی گفت زمان قتل ۱۷ساله بود قاضی اجرای احکام، اجرای حکم را متوقف کرد.

سارا نجیمی و حسن آقاخانی که وکالت این سه اعدامی زیر ۱۸سال را بر عهده دارند برای هر سه‌نفر درخواست اعاده دادرسی بر اساس ماده ۹۱ قانون مجازات جدید مطرح کرده بودند که این درخواست توسط شعبه ۳۵ دیوانعالی کشور مورد تایید قرار گرفت. در رای دیوانعالی کشور که به‌صورت جداگانه برای هر یک از متهمان نوشته شده، آمده است: از آنجایی که وکلای متهم ادعا کردند موکل‌شان زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸سال داشتند و حرمت قتل را نمی‌دانستند و رشد عقلی فرد بالغ را نداشتند و از آنجایی که در صورت اثبات این موضوع مجازات متهمان به شدت تخفیف خواهد یافت لذا پرونده برای بررسی این موضوع و ادعای وکلا به شعبه هم‌عرض فرستاده می‌شود. به این ترتیب هر سه متهم باید بار دیگر پای میز محاکمه بروند.

رخداد

۲آتش‌سوزی گسترده در تهران

● **شرق:** آتش‌نشانان تهرانی دو حریق گسترده را که روزهای پنجشنبه و جمعه به‌وقوع پیوست خاموش کردند. وقوع آتش‌سوزی در انبار ابر و اسفنج در منطقه کهریزک ساعت ۱۰:۲۸ صبح پنجشنبه اطلاع داده شد. جلال ملکی -سخنگوی آتش‌نشانی تهران- در این‌باره گفت: محل حادثه سوله‌ای به مساحت ۳۰۰مترمربع بود که از آن به‌عنوان محلی برای نگهداری ابر، اسفنج، فوم و لوازم خام تولید کفش استفاده می‌شد. وی افزود: آتش‌نشانان از چند جهت عملیات خود برای مهار شعله‌های گسترده آتش در این منطقه را آغاز کردند و آتش‌نشانان کهریزک نیز در کنار آنان حضور داشتند. ملکی با بیان اینکه پس از مدتی شعله‌های گسترده آتش در این انبار مهار شد و تحت کنترل آتش‌نشانان درآمد، گفت: در مجاورت این انبار، کارگاه تولید و نگهداری مواد شیمیایی و پارچه قرار داشت که سرایت آتش به این قسمت می‌توانست خسارات جبران‌ناپذیری برجای بگذارد اما آتش‌نشانان مانع از آن شدند. سخنگوی سازمان آتش‌نشانی با بیان اینکه در جریان این حادثه یک خودرو پراید که داخل کارگاه پارک شده بود کاملا سوخت و از بین رفت، گفت: دونفر از کارگران نیز به‌شدت دچار آسیب‌دیدگی و مصدومیت شدند که آتش‌نشانان، این افراد را برای انتقال به مراکز درمانی به عوامل اورژانس مستقر در محل حادثه تحویل دادند. ملکی همچنین از وقوع حریق در یکی از منازل مسکونی بازار تهران که به انبار تبدیل شده بود، خبر داد و گفت: در ساعت ۲:۲۸ بامداد دیروز حادثه حریق در بازار تهران به مرکز فوریت‌های ۱۲۵ اطلاع داده شد و پس از آن آتش‌نشانان دو ایستگاه به همراه گروه نجات به محل حادثه اعزام شدند. ملکی با بیان اینکه محل حادثه، خانه‌ای قدیمی در بازار پامنار سه‌راه دانگی‌ها بود، اظهار کرد: این خانه قدیمی که حدود ۲۰۰مترمربع مساحت داشت تبدیل به انبار شده و با توجه به اینکه کسی در آن ساکن نبود حریق، هنگام پیشروی و گسترش به آتش‌نشانان اعلام شده بود. وی با بیان اینکه زیرزمین این ساختمان قدیمی کاملا شعله‌ور شده و آتش درحال سرایت به دیگر اماکن بود، اظهار کرد: تعدادی از آتش‌نشانان برای اطفای حریق وارد زیرزمین که کانون آتش‌سوزی بود، شدند که ناگهان سقف تیرچوبی زیرزمین تخریب شد و روی تعدادی از آتش‌نشانان ریخت. در این حین لوازمی هم که در طبقه همکف بود بر سر آتش‌نشانان ریخت که می‌توان به یک دستگاه موتورسیکلت، یک دستگاه تزریق پلاستیک و یک گاوصندوق اشاره کرد. ملکی با بیان اینکه این حادثه منجر به مصدومیت دو آتش‌نشان شد، گفت: آتش‌نشانان پس از مدتی شعله‌های آتش را تحت‌کنترل درآوردند و پس از آن، حریق را به‌طور کامل اطفا کردند.

نجات محکوم به قصاص از چوبه دار

● **ایرنا:** فرد محکوم به قصاص در شهرستان گنبدکاووس روز پنجشنبه با گذشت اولیای‌دم از مرگ نجات یافت و زندگی دوباره به دست آورد. دادستان عمومی و انقلاب گنبدکاووس در این‌باره گفت: برای نجات این محکوم، شورای حل اختلاف زندان گنبدکاووس پیگیری‌های زیادی کرده بود که در نهایت منجربه اعلام رضایت خانواده مقتول شد. علی یزدانی گفت: «سلیم-خ» از ۱۰سال پیش، زندانی و در انتظار اجرای حکم قصاص بود. وی ضمن قدردانی از خانواده مقتول گفت: تلاش‌های شورای حل اختلاف زندان در کاهش محکومیت و نیز اجرای قصاص برخی از محکومان بسیار موثر بوده است.

دستگیری جاعل اسکناس

● **ایسنا:** رییس کلانتری کیانشهر از دستگیری جاعل اسکناس‌های پنج و ۱۰هزارتومانی خبر داد. سرگرد رضا قاسمی در تشریح جزییات این خبر گفت: ماموران در پی کسب خبری مبنی بر خرید و فروش افشانه‌های اشک‌آور و توزیع اسکناس‌های ۱۰ و پنج‌هزارتومانی جعلی در سطح محله کیانشهر، رسیدگی به این موضوع را در دستور کار قرار دادند. وی با بیان اینکه ماموران موفق به شناسایی «هادی» ۴۸ساله شدند و با اقدامات اطلاعاتی مخفیگاه وی را در آدرس رسالت پیدا کردند، افزود: ماموران، این فرد را دستگیر و در بازرسی از منزل وی مبلغ ۱۹میلیون‌و۴۳۵هزارتومان اسکناس‌های جعلی ۱۰هزار و پنج‌هزارتومانی و تعداد ۴۹۵ قوطی افشانه اشک‌آور و ۷۷ عدد خودکار با جوهر نامریی و دفتر خرید و فروش اموال را کشف و ضبط کردند.

سازمان آگهی‌های روزنامه‌شرق

۸۸۱۹۳۹۷۹-۸۸۱۹۰۴۶۸

نوبت دوم

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان چهارمحال و بختیاری
(سهامی خاص) شماره ثبت ۵۵۰۰

آگهی مناقصه عمومی شماره ۹۳/۱۵

۱- **مناقصه گزار:** شرکت گاز استان چهارمحال و بختیاری

۲- اجرای خط انتقال ۱۰ اینچ تقویتی شهر بروجن شامل:

۲-۱ – اجرای خط انتقال فولادی به قطر ۱۰ اینچ ۵۸۰۰ متر

۲-۲- انجام عملیات مکانیکال ایستگاه شیر یک مورد

۲-۳ – اجرای سیستم حفاظت کاتدیک یک مورد

۳ – **مهلت دریافت اسناد مناقصه** : از تاریخ ۹۳/۰۵/۱۹ لغایت ۹۳/۰۵/۲۲ به مدت ۴ روز از ساعت ۸ صبح لغایت ۱۵

۴- **مهلت تکمیل و تحویل اسناد مناقصه** : ساعت ۱۵بعدازظهر روز چهارشنبه مورخ ۹۳/۰۶/۰۵

۵- محل دریافت اسناد مناقصه امور قراردادها و محل تحویل اسناد دبیرخانه مرکزی شرکت گاز استان چهارمحال و بختیاری واقع در **شهرکرد خیابان فارابی شمالی** می باشد.

۶- **نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** به صورت واریز وجه نقد و یا ضمانتنامه بانکی بشرح مندرج در اسناد مناقصه و به مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰۰ (پنجاه میلیون) ریال می باشد.

شایان ذکر است دسترسی به متن این آگهی در سایت www.nigc-chbgas.ir و http://iets.mporg.ir امکان پذیر بوده است. و در صورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر با **شماره تلفن ۴-۳۳۳۹۰۰۲ و فکس : ۳۳۳۴۲۷۸ - ۰۳۸۱** تماس بگیرید.

شهرکرد – خیابان فارابی شمالی –تلفن ۴-۳۳۳۹۰۰۲ فاکس : ۴-۳۳۳۹۰۰۲ فاکس : ۳۳۳۴۲۷۸ – کدپستی ۸۱۴۶۸۳۴۸۶

روابط عمومی شرکت گاز استان چهارمحال و بختیاری

تجدید آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای نوبت دوم

به شماره (۹۳/۴۵۰/۹۸۹)

شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران

مناقصه گزار: شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران منطقه شمالشرق

موضوع مناقصه: پیمان غذایی کارکنان مرکز انتقال نفت امام تقی

مبلغ بر آورد مناقصه: ۳/۵۲۰/۰۳۰/۵۰۹ ریال

نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ ۱۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال به صورت ضمانت نامه بانکی یا واریز وجه نقد

دارا بودن گواهینامه صلاحیت معتبر

زمان و مهلت دریافت اسناد مناقصه: ظرف ۵ روز پس از چاپ آگهی نوبت دوم به استثناء روزهای پنج شنبه و جمعه

زمان و مهلت تکمیل و تحویل اسناد مناقصه: ۱۰ روز پس از آخرین مهلت دریافت اسناد

محل دریافت و تحویل اسناد مناقصه: شاهرود، خیابان نفت، شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران منطقه شمالشرق، کدپستی ۳۶۱۷۷۹۶۹۱۱ امور حقوقی و قراردادها

زمان و محل گشایش پاکات: پیشنهادهای واصله در محل کمیسیون مناقصات و در زمان مندرج در اسناد مناقصه بازگشایی خواهد شد.

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۳۳۶۳۹۳۰-۰۲۷۳ تماس حاصل فرمائید.

روابط عمومی www.shana.ir www.ioptc.ir